طوماری از دوره شکوهمند سلسله مینگ که نمادی از ثبات، هماهنگی، رونق و آبادانی بوده است

رود راوی

کتاب **قلمرو رود** نوشته افتخار اقبال نقش رودخانه‌ها را در تاریخ شرق آسیا بررسی می‌کند

تاریخ تمدن

سمیرا دردشتی
پژوهشگر سیاست‌گذاری عمومی

کارل آگوست ویتفوگل، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز آلمانی، زمانی که از «استبداد آبی (هیدرولیکی)» سخن گفت، رود را در مقام ابزاری دید که دولت‌های بزرگ با مهار آن، جامعه را نظم می‌بخشیدند، قدرت را متمرکز می‌کردند، بوروکراسی را گسترش می‌دادند و فرمان‌برداری را تولید می‌کردند. در روایت ویتفوگل، آب تنها یک منبع حیاتی نیست و بیشتر به عنوان منبع فرمانروایی تلقی می‌شد که هرچه کمیاب‌تر می‌شد، دولت بیشتر به سمت اقتدارگرایی حرکت می‌کرد و هرکجا قابل مهارتر بود، اقتدار سیاسی تثبیت می‌شد. این تصویر بویژه درباره چین شمالی و در محدوده رودهای زرد و وی یا درباره حوزه سند و گنگ در هند، تصویری قانع‌کننده به نظر می‌رسید و برای دهه‌ها الهام‌بخش تاریخ‌نگاری‌های کلان درباره نسبت طبیعت و قدرت باقی ماند اما کتاب «قلمرو رود: تاریخ رودخانه‌ای امپراطوری چین، هند و جنوب شرق آسیا» (The Range of the River: A Riverine History of Empire across China, India, and Southeast Asia) رویکردی تازه را در این رابطه طرح می‌کند.

نویسنده این کتاب افتخار اقبال، تاریخ‌نگار محیط‌زیست جنوب و جنوب شرق آسیاست. او عضو هیأت علمی و مدیر برنامه «تاریخ و مطالعات بین‌المللی» در دانشگاه برونئی دارالسلام است. اقبال در این کتاب استدلال می‌کند که رودها به راحتی مهار شدنی نیستند و ادعای اینکه دولت‌ها با کانال‌کشی و سدسازی، طبیعت را به فرمان درمی‌آورند، به این سادگی قابل اثبات نیست. کتاب به رودهایی می‌پردازد که از فلات تبت سرچشمه می‌گیرند، از میان کوهستان‌های صعب‌العبور می‌گذرند، مرزها را بی‌اعتنا درمی‌نوردند، امپراطوری‌ها را به هم می‌دوزند اما هرگز به‌طور کامل در اختیار هیچ‌کدام از قدرت‌ها قرار نمی‌گیرند. رودها در این روایت ابزار دولت‌ها نمی‌شوند و خود بازیگران تاریخ‌اند و آنها در این تعبیر مسیر تثبیت قدرت به شمار نمی‌روند بلکه میدان اصطکاک آن محسوب می‌شوند. نویسنده با اشاره به براهماپوترا، یانگ‌تسه و دیگر رودهای در میانه آنها، مسیر پیچیده‌ای را به درون چند جهان جنوب شرق آسیا دنبال می‌کند. او استدلال می‌کند که این رودها نسبتاً کمتر در معرض برداشت ویتفوگلی از بهره‌کشی قرار داشتند زیرا به سمت پیوندهای فرامنطقه‌ای تجاری و فرهنگی در سراسر شمال شرق هند، جنوب شرق تبت، سرزمین اصلی جنوب شرق آسیا و جنوب غرب چین گرایش داشتند. شبکه رودخانه‌ای عظیمی که کتاب آن را با نام اختصاری BISMRY معرفی می‌کند (براهماپوترا، ایراوادی، سالوین، مکونگ، رود سرخ و یانگ‌تسه) با گستره‌ای نزدیک به چهار میلیون کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین شبکه پیوسته رودخانه‌ای روی زمین را شکل می‌دهد. این شبکه از جنوب آسیا تا سرزمین اصلی جنوب شرق آسیا و جنوب چین امتداد دارد و زندگی، معیشت، جابه‌جایی، تخیل فرهنگی و سیاست بیش از دو میلیارد انسان را در طول تاریخ در خود حمل کرده است.

افتخار اقبال در کتاب «قلمرو رود» به رودهایی می‌پردازد که از فلات تبت سرچشمه می‌گیرند، از میان کوهستان‌های صعب‌العبور می‌گذرند، مرزها را بی‌اعتنا درمی‌نوردند، امپراطوری‌ها را به هم می‌دوزند اما هرگز به‌طور کامل در اختیار هیچ‌کدام از قدرت‌ها قرار نمی‌گیرند. رودها در این روایت ابزار دولت‌ها نمی‌شوند و خود بازیگران تاریخ‌اند

اقبال در این کتاب «رود» را به‌عنوان منبع نمی‌بیند و آن را بیشتر به‌مثابه فرآیند فهم می‌کند که حامل کنش است، تولیدکننده رابطه است، سامان‌دهنده شبکه است و در بسیاری مواقع تعیین‌کننده حدود قدرت سیاسی است. به همین دلیل کتاب «قلمرو رود» را می‌توان تلاشی آگاهانه برای عبور از دوگانه کلاسیک طبیعت منفعل و دولت فعال دانست که هم تاریخ امپراطوری را دستخوش تغییر می‌کند، هم تاریخ محیط‌زیست را دگرگونه فهم می‌کند و هم مطالعات منطقه‌ای را از منظری تازه مورد واکاوی قرار می‌دهد. این کتاب از همان ابتدا روشن می‌کند قصد ندارد به روایت افول‌گرایانه از تخریب محیط‌زیست بسنده کند یا امپراطوری را صرفاً نیرویی تمام عیار و با قدرت مطلق تصویر کند. آنچه در مرکز روایت قرار می‌گیرد، تعامل نابرابر اما دوطرفه میان رودها، انسان‌ها، دولت‌ها، شبکه‌های تجاری و کنشگران غیرانسانی است. کتاب پس از مقدمه‌ای مفصل که چهارچوب نظری، فضایی و زیست‌محیطی «آسیای رودخانه‌ای» را صورت‌بندی می‌کند، در شش فصل اصلی به یکی از رودهای بزرگ شبکه BISMRY می‌پردازد و در فصل هفتم نشان می‌دهد تحرک میان‌رودخانه‌ای چگونه کلان‌منطقه‌ای فراتر از مرزهای امپراطوری و ملی پدید می‌آورد. در نهایت نیز تأمل پایانی کتاب به دولت‌های پسااستعماری متمرکز است و نشان می‌دهد امنیتی‌سازی و مهندسی رودها، به زوال مشترکات رودخانه‌ای انجامیده است.

کنشگری رود و قاطر

نخستین دستاورد مفهومی کتاب جابه‌جایی نگاه از «رود به‌عنوان یک خط» به «رود به‌عنوان فضا» است. به این معنا که به باور نویسنده رودهای BISMRY صرفاً مسیرهایی خطی از سرچشمه تا دریا نیستند. آنها پهنه‌هایی چندلایه‌اند که شاخه‌ها، زیرشاخه‌ها، پیوست‌گاه‌ها، گذرگاه‌های کوهستانی، مسیرهای قاطررو و بازارهای محلی را در خود جای می‌دهند. این پهنه‌ها آن چیزی را شکل می‌دهند که اقبال از آن با عنوان فضای رودخانه‌ای یاد می‌کند که در آن تحرک انسانی و غیرانسانی به هم گره می‌خورد و تاریخ در حرکت ساخته می‌شود.

در این فضا منطقه یوننان (استانی در جنوب غربی چین) به‌عنوان یک گره‌گاه مرکزی ظاهر می‌شود و جایی است که رودها به هم نزدیک می‌شوند، مسیرهایشان را از هم تشخیص‌ناپذیر می‌کنند و امکان اتصال جنوب آسیا، جنوب شرق آسیا و چین را فراهم می‌آورند. یوننان به لحاظ مرکزیت سیاسی اهمیت قابل ملاحظه‌ای ندارد ولی نقش ترانزیتی، شبکه‌ای، تاریخی و فرهنگی آن بسیار مهم است. به دلیل موقعیت انتقالی، یوننان محل تلاقی فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، زبان‌ها و تجار بوده است. گروه‌های قومی گوناگون (همچون یی، بای، هانی، تای و دیگران) در این منطقه زندگی می‌کنند و بخش‌هایی از یوننان در ارتفاعات قرار دارد و به عنوان پناهگاه گروه‌های قومی در برابر کنترل کامل امپراطوری‌ها عمل می‌کرد. هر رود سفری دوگانه دارد که یکی به‌سوی دریا می‌رود و دیگری سفری به‌سوی این گره کوهستانی را طی می‌کند و همین دوگانگی است که امکان می‌دهد رودها همزمان محلی و جهانی باشند و بومی و امپراطوری‌ساز شوند.

کتاب به کنشگران فراموش‌شده تاریخ امپراطوری نیز توجه دارد و قایقرانان، دوره‌گردان، بازرگانان کوچک، زائران، قاچاقچیان، کاشفان و همچنین چهارپایان باربر نیز در این اثر دیده شده‌اند. قاطر در این روایت تنها ابزار حمل‌ونقل محسوب نمی‌شود بلکه پل زنده‌ای است که شکاف میان رودهای غیرقابل کشتیرانی را پر می‌کند و در فصل هفتم تحت عنوان «پل زنده: قاطر و شکل‌دهی بزرگ‌ترین ناحیه فرامنطقه‌ای آسیا» نویسنده به طور مفصل جایگاه و نقش آن را تشریح می‌کند. جایی که کشتی‌های بخار امپراطوری (به‌ویژه امپراطوری بریتانیا در سده ۱۹ و ۲۰) از حرکت بازمی‌مانند، قاطر وارد صحنه می‌شد و شبکه را زنده نگه می‌داشت. کشتی‌ها برای نفوذ و کنترل بر رودهای اصلی آسیا مورد استفاده قرار می‌گرفتند و استفاده از آنها در رودهای آسیا (مانند براهماپوترا، ایراوادی، مکونگ و یانگ‌تسه) ابزاری برای گسترش نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی بود اما در نهایت محدودیت‌های طبیعی رود در بخش‌های شمالی، این برنامه را با مشکل مواجه می‌کرد.

بدون قاطر رودها به جزایری جداافتاده تبدیل می‌شدند و بدون رودها، قاطرها معنا و کارکرد خود را در این منطقه از دست می‌دادند. شبکه و کنشگری رود و قاطر تنها با درهم‌تنیدگی آن با شبکه انسانی و تحرک در مناطق کنش انسانی کامل می‌شود، جایی که «مبادلات دیالکتیکی» میان انسان و طبیعت رخ می‌دهد. این مبادلات در تحرک مردمان در امتداد شبکه‌های رودخانه‌ای در تاریخ طولانی این فراناحیه به وضوح قابل مشاهده بود. در چنین چهارچوبی، مهاجرت‌های قومی، جابه‌جایی‌های زبانی، گسترش کشاورزی برنج، انتقال آیین‌ها و حتی شکل‌گیری واژگان مشترک، همگی را باید به‌عنوان هسته‌های تاریخ رودخانه‌ای فهم کرد. رودها مسیرهای حرکت به جنوب را ممکن کردند اما همزمان امکان بازگشت، چرخش، انشعاب و امتزاج را نیز فراهم آوردند. تاریخ در این روایت از ساحت خطی خارج می‌شود و به صورت شبکه‌ای چندوجهی و سیال فهم می‌شود.

امپراطوری‌ها و رودها

کتاب «قلمرو رود» تاریخ امپراطوری را از منظر رودها بازخوانی کرده است. در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، رودهای BISMRY به میدان رقابت قدرت‌های امپراطوری بدل شدند، بریتانیا در براهماپوترا و ایراوادی، فرانسه در مکونگ و رود سرخ، مجموعه‌ای از قدرت‌های اروپایی در یانگ‌تسه حضوری فعال داشتند اما برخلاف روایت‌های کلاسیک، هیچ‌کدام از این قدرت‌ها نتوانستند انحصار کامل بر رودها برقرار کنند و همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، تلاش برای کنترل تمام عیار رودها به منظور ایجاد نظم‌های سیاسی مطلوب ناکام ماند. طبیعت ناپایدار منطقه، توپوگرافی خشن، مقاومت محلی و شبکه‌های غیررسمی، همگی مانع از تحقق رویای کنترل کامل شدند.

اقبال نشان می‌دهد که امپراطوری‌ها ناگزیر بودند با رودها مذاکره کنند چرا که فرمانبر کردن آنها به سادگی میسر نبود. هر کجا رود غیرقابل کشتیرانی می‌شد، قدرت امپراطوری تحلیل می‌رفت و هرکجا پیوست‌گاه‌ها در اختیار نیروهای محلی بود، امپراطوری مجبور به مصالحه می‌شد. این وضعیت چیزی را پدید آورد که نویسنده از آن با عنوان «اصطکاک خلاق» یاد می‌کند و می‌نویسد: «در نهایت، این رودها با قابلیت خود در زمینه تحرک، منابع و معیشت، مجموعه‌ای از اصطکاک‌های خلاقانه را میان نیروهای سیاسی برانگیختند. این آبراهه‌ها به عرصه‌های مورد منازعه‌ای بدل شدند که در آنها آرمان‌های امپراطوری، بلندپروازی‌های منطقه‌ای و روش‌های محلی به‌هم می‌پیوستند و اغلب به مواجهه‌های پویایی درباره دسترسی، کنترل و بهره‌برداری می‌انجامیدند.» به این ترتیب برخوردی دائمی میان پروژه‌های کلان سیاسی و منطق‌های محلی زیست و معیشت پدید می‌آمد.

در این بستر نویسنده در واپسین بخش کتاب از مفهوم «مشترکات رودخانه‌ای» بحث می‌کند. به این معنا که رودها پیش از آنکه دولت‌های پسااستعماری مرزها را سخت کنند، فضاهایی مشترک بودند، البته نه به معنای مالکیت جمعی رسمی بلکه به معنای دسترسی سیال، استفاده چندگانه و تنظیم عرفی و این مشترکات از طرق قانونی رسمیت پیدا نکرده بود بلکه از طریق عمل روزمره، مذاکره مداوم و توازن میان ذینفعان حفظ می‌شدند و امپراطوری‌ها برخلاف تصور رایج، اغلب ناچار بودند به این منطق احترام بگذارند زیرا بدون آن شبکه‌ها از کار می‌افتادند. با ظهور دولت‌های پسااستعماری اما منطق رود تغییر کرد. رودها به «منابع ملی» تبدیل شدند، مشترکات به دارایی دولتی فروکاسته شد، مرزها سخت شدند و پروژه‌های توسعه‌گرا، منطق سیال رود را به منطق مهندسی‌شده بدل کردند. کتاب در فصل پایانی با نگاهی انتقادی نشان می‌دهد که چگونه امنیتی‌سازی رودها، به تخریب پیوندهای فرامنطقه‌ای انجامید و آسیای رودخانه‌ای را به مجموعه‌ای از قطعات منفصل تبدیل کرد.

این اثر رود را به مرکز تاریخ بازمی‌گرداند و بر اهمیت آن در فهم تحولات سیاسی پافشاری می‌کند، بدون آنکه به جبرگرایی محیطی بلغزد یا رمانتیسم بوم‌شناختی را بازتولید کند و نشان می‌دهد که چگونه رودها، با کنشگری خاص خود، امپراطوری‌ها را شکل دادند، محدود کردند، به هم پیوند زدند و گاه از هم گسستند. کتاب همزمان، نقدی عمیق بر ملی‌گرایی روش‌شناختی، منطقه‌گرایی جنگ‌سردی و نگاه منبع‌محور به طبیعت ارائه می‌دهد و افقی تازه برای فهم تاریخ آسیا می‌گشاید. اگر ویتفوگل رود را ابزار قدرت می‌دید، اقبال رود را میدان چانه‌زنی می‌داند. امپراطوری‌ها در تلاش برای فرمانروایی بودند و رودها بی‌توجه به این کوشش‌ها جریان داشتند و در فاصله میان این دو، تاریخی ساخته شد که نه کاملاً انسانی است و نه کاملاً طبیعی بلکه محصول همزیستی بود.

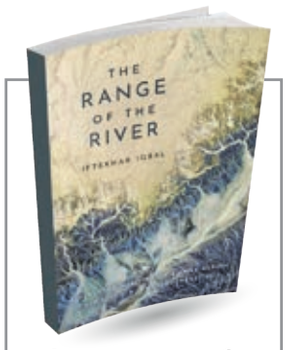

The Range of the River
A Riverine History of Empire across China, India, and Southeast Asia

قلمرو رود
تاریخ رودخانه‌ای امپراطوری چین، هند و جنوب شرق آسیا

- **نویسنده: Iftekhar Iqbal افتخار اقبال**
- **ناشر: Stanford University Press**
- **تعداد صفحات: ۲۷۲ صفحه**
- **قیمت: ۲۲,۱۱ دلار**

عصر ناامنی آب

کتاب **آب و جامعه** نوشته ترجه تودت به تحلیل ارتباط آب و توسعه اجتماعی می‌پردازد

توسعه پایدار

حسن محرابی
پژوهشگر فرهنگ

کتاب «آب و جامعه: تغییر برداشت‌ها از توسعه اجتماعی و تاریخی/ Water and Society: Changing Perceptions of Societal and Historical Development» نوشته ترجه تودت سال ۲۰۲۱ منتشر شده است. ترجه تودت، مورخ و متخصص برجسته آب در این کتاب به تحلیل نقش مهم آب در توسعه اجتماعی می‌پردازد.

ترجه تودت که استاد جغرافیا در دانشگاه برگن و استاد علوم سیاسی و تاریخ جهانی در دانشگاه اسلو است، درباره موضوعات مرتبط با آب آثار زیادی را منتشر کرده و سه مستند تلویزیونی موفق هم در مورد آب ساخته که در ۱۵۰ کشور نمایش داده شده‌اند. کتاب‌های او شامل «رود نیل در عصر بریتانیایی‌ها/ The River Nile in the Age of the British» و «سفری به آینده آب/ A Journey in the Future of Water» است. تودت همچنین ویراستار مجموعه پیشگام «تاریخ آب/ A History of Water» نیز هست.

ترجه تودت در مقدمه کتاب «آب و جامعه» می‌نویسد: «این کتاب خلاصه‌ای از آموخته‌های من در مورد ارتباطات و پیوندهای بین جامعه و آب از زمان شروع کارم روی این موضوع در ۳۵ سال پیش است. بنابراین محققان، کتابداران، مهندسان آب و همسفرانی بودند که به طرق مختلف در نوشتن کتاب الهام‌بخشم بوده‌اند. ویرایش مجموعه نه جلدی «تاریخچه آب» با مشارکت بیش از ۲۲۰ محقق از رشته‌های مختلف و از تقریباً ۱۰۰ کشور، این فرصت را به من داد تا از بهترین محققان جهان در مورد مسائل مربوط به آب بیاموزم. آماده‌سازی، فیلمبرداری و مصاحبه برای سه مستند تلویزیونی در مورد تاریخ و آینده آب، مرا به بیش از ۵۰ کشور با روابط بسیار متفاوت آب-جامعه برد و در همه جا مهندسان، سیاستمداران و راهنمایان کمک کردند و اطلاعات ارزشمندی ارائه دادند. تقریباً هر تعطیلات تابستانی در ۳۰ سال گذشته (قبل از تألیف کتاب) در جست‌وجوی داستان‌هایی درباره آب در جوامع، به اتفاق کارشناسان آب در امتداد حوضه‌های رودخانه‌ای پر پیچ و خم سفر کرده‌ایم و از آب‌های خیره‌کننده بازدید کرده‌ایم، با این اطمینان که هنگام دنبال کردن آب، از سفرهای جذاب در تاریخ فرهنگی، هنر و توسعه فناوری نیز لذت خواهیم برد. اغلب آنها این سفرها را به اندازه من دوست داشته‌اند، زیرا چه چیزی زیباتر از آب است؟»

ترجه تودت در مقدمه کتاب «آب و جامعه» می‌نویسد: این کتاب خلاصه‌ای از آموخته‌های من در مورد ارتباطات و پیوندهای بین جامعه و آب از زمان شروع کارم روی این موضوع در ۳۵ سال پیش است

در مورد هدف از تألیف کتاب باید اشاره کرد که به دلیل شکاف فزاینده بین عرضه و تقاضای آب در بسیاری از نقاط جهان و همچنین عدم اطمینان در مورد چشم‌اندازهای آبی آینده، درک ارتباط متقابل بین آب و توسعه اجتماعی ضروری‌تر شده است. رشد چشمگیر کشاورزی آبیاری شده، صنعت و شهرنشینی در دهه‌های اخیر، همراه با پیامدهای ویرانگر بیماری‌های ناشی از آب، کنترل آب را به مسأله شماره یک در بسیاری از مناطق جهان تبدیل کرده است. در واقع، مسأله آب یکی از مسائل با اهمیت سیاسی رو به رشد است.

تودت به عنوان نقطه شروع، هستی‌شناسی آب را مطابق با مفاهیم و رویکردهای تحلیلی پیشنهاد می‌کند که می‌تواند تمهیدی مفید برای تفسیر جامعه و تاریخ فراهم کند. آنچه درک ما از تعاملات آب و جامعه را بسیار حیاتی می‌کند این است که چون آب برای همه مردم در همه زمان‌ها ضروری بوده، جوامع - بدون استثنا - مجبور بوده‌اند با آبی که در پیش‌روی‌شان جریان داشته سازگار شوند یا به نحوی آن را کنترل کنند، در عین حال، نحوه حرکت آب از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر، حتی در یک مکان، متفاوت است؛ بنابراین آب یک موضوع بسیار مهم و خاص است. این ترکیب خاص، دلیل مهمی است مبنی بر اینکه چرا مطالعه تطبیقی مسائل آب و جامعه مفید است. هیچ موضوع دیگری را نمی‌توان به طور یکسان در سراسر زمان و مکان مورد مطالعه قرار داد. همه جوامع را می‌توان از این منظر مورد مطالعه قرار داد: (الف) چگونه تحت‌تأثیر چشم‌انداز فیزیکی آب قرار گرفته‌اند، (ب) چگونه چشم‌انداز آبی را تغییر داده‌اند و خود و محیط را در این فرآیند تغییر داده‌اند و (ج) چگونه در مورد آب، معانی فرهنگی و ارزش آن فکر کرده‌اند. بنابراین، پیوند آب و جامعه فرصتی نادر برای تحقیقات تطبیقی گسترده و در عین حال دقیق در مورد تحولات ـ هم در حوزه طبیعت و هم در درون جامعه و در زمان و مکان - فراهم می‌کند. از دیگر سو، ما به رویکردی نیاز داریم که آب را به عنوان یک بازیگر مستقل در جامعه بازیابی کند؛ بازیگری که در یک مکان و زمان خاص قرار دارد، اما ذاتاً به مقیاس بزرگ‌تر و بازه زمانی طولانی‌تر نیز گره خورده است، به گونه‌ای که بسیاری از ویژگی‌های ساختاری (هیدرولوژیکی، توپولوژیکی و انرژی) خود را از آنها به ارث می‌برد. بنابراین، نیاز به رویکردی وجود دارد که بتواند درک کند آبی که در سراسر سیاره و روی آن جریان دارد، چگونه مستقل از برداشت‌های فرهنگی مختلف وجود دارد، اما همچنین به عنوان یک حقیقت بدیهی، بپذیرد که آب همیشه از طریق لنزهای فرهنگی، مهندسی یا سیاسی درک می‌شود. برای اینکه بتوان روابط پیچیده، تاریخی و مکانی بین جوامع و آب را ترسیم و تحلیل کرد، این رویکرد باید هم سازه‌گرایی و هم اثبات‌گرایی را کنار بگذارد. تنها با نگاه به آب در جامعه و طبیعت به این شیوه گسترده و فراگیر، می‌توان نقش و تأثیر آب را به درستی تحلیل و درک کرد و تاریخ واقعی تأثیرفزاینده چرخه آب-اجتماع و بازآرایی آن را بازسازی کرد. آب در طبیعت و جامعه جاودانه است، اما درعین حال همیشه در تغییر است. از دیدگاهی دیگر، این کتاب به نفع باستان‌شناسی تاریخی-جغرافیایی پهنه‌های آبی و رابطه جامعه و آب استدلال می‌کند؛ همزمان به طور انتقادی با گفتمان‌های گذشته در این موضوع که از نظر مکانی محدود شده‌اند، برخورد خواهد کرد. کتاب «آب و جامعه» به بازسازی و تحلیل چگونگی بازتاب سنت‌های فرهنگی و تعامل این گفتمان‌ها با پهنه‌های آبی و چگونگی ریشه داشتن نظام‌های اعتقادی و دانشی آب در تاریخ و تحلیل آنها از منظر مکانی و جغرافیایی می‌پردازد.

نگاهی به فصول کتاب

فصل اول کتاب، توضیح جدیدی درباره یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین پرسش‌های تحقیق‌شده ارائه می‌دهد: چرا جهان غرب و بریتانیا در دگرگون کردن جوامع خود در انقلاب صنعتی موفق شدند، در حالی که تمدن‌های کشاورزی پیشرو مانند چین و هند شکست خوردند؟ فصل دوم به امپریالیسم اروپایی و تجزیه آفریقا می‌پردازد و تفسیر جدیدی از چرایی پیشروی بریتانیا در «حوضه نیل» در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم ارائه می‌دهد. فصل سوم، مطالعات شهری را مورد بازنگری قرار می‌دهد و تفسیرهایی از تاریخ و توسعه شهر به عنوان یک پدیده جهانی ارائه می‌دهد. فصل چهارم، مطالعه و درک دین از منظر آب را مورد بحث قرار می‌دهد و نشان می‌دهد چگونه می‌توان از اهمیت آب و عملکرد چرخه هیدرولوژیکی برای تحلیل کیهان‌شناسی‌ها و اسطوره‌های اصلی مذهبی و تنوع اعمال مذهبی استفاده کرد. فصل پنجم، به لایه‌های متفاوت شهرها در رابطه با آب می‌پردازد و چالش‌های امروز شهرنشینی و بحران آب را مورد بررسی قرار می‌دهد. ششمین فصل کتاب بحث حاکمیت دولت را مورد بررسی مجدد قرار می‌دهد و معتقد است وستفالی آنگونه که هواداران «اسطوره وستفالی» معتقدند، حاکمیت مطلق سرزمینی در رابطه با آب را نهادینه نکرده است و اتفاقاً بر همکاری در این رابطه تأکید دارد. همچنین روایت‌های پساوستفالیایی که مبتنی بر مرگ وستفالی در اثر جهانی شدن است را نیز نقد می‌کند و معتقد است موضوع آب به همکاری بین دولت‌ها نیازمند است. فصل هفتم به بحث در مورد حقوق منابع بین‌المللی می‌پردازد و با استفاده از نیل و مطالعه دقیق توافقنامه آب‌های نیل در سال ۱۹۲۹ به عنوان نمونه، به نفع پیشبرد درک تاریخی و فیزیکی از منبع مورد بحث استدلال می‌کند. فصل هشتم کتاب به تاریخچه آب و هوا و تغییرات آب و هوایی می‌پردازد و استدلال می‌کند آب برای هرگونه درک از فرآیندهای اقلیمی و چالش‌هایی که برای جوامع ایجاد می‌کنند، اساسی است. نهمین فصل کتاب مربوط به نسبت آب با تغییر اقلیم است که نویسنده تأکید دارد همه تغییرات اقلیمی از طریق تغییر در چرخه آب نمایان می‌شود. آخرین فصل کتاب سنت مطالعات اجتماعی در رابطه با موضوع آب است.

نویسنده درکتابش به نکات جالبی در خصوص نقش آب در زندگی شخصیت‌های برجسته تاریخ نیز اشاره می‌کند. مثلاً می‌نویسد هراکلیتوس که بیش از هر چیز به خاطر نظریه‌هایش در مورد آب و اینکه همیشه درحال حرکت است و نمی‌توان دو بار در یک رودخانه قدم گذاشت، به یاد آورده می‌شود، به دلیل سوءتفاهمش در مورد نقش آب در بدن انسان درگذشت. او درحالی که زیر آفتاب سوزان دراز کشیده بود، با چیزی که فکر می‌کرد آب خطرناک و ناسالم در بدنش است، می‌جنگید. او جهان را در دوگانگی آتش و آب می‌دید و هدفش «خشک شدن» بود، زیرا «روح خشک» را خردمندترین و بهترین روح می‌دانست و برای ارواح «تبدیل شدن به آب» را مرگ می‌نامید. حتی از پزشکان پرسید آیا می‌توان با تخلیه روده‌ها، آب را بیرون ریخت و وقتی گفتند این غیرممکن است، خودرا در آفتاب دراز کرد و به پسرانش دستورداد که او را بپوشانند. روز بعد درگذشت و درآگورا به خاک سپرده شد.

درباره جان لاک نیز گفته شده است یکی از عجیب‌ترین ویژگی‌های او این بود که آب زیادی می‌نوشید زیرا فکر می‌کرد بسیار سالم است. جالب‌تر اینکه تا قرن بیستم، اهمیت حیاتی آب و مقدار آب در بدن ما درک نمی‌شد. نویسنده در خاتمه کتاب به یک نکته اساسی اشاره می‌کند و می‌نویسد ما وارد عصر جدیدی در مورد آب شده‌ایم و آن را «عصر ناامنی آب» می‌نامد.

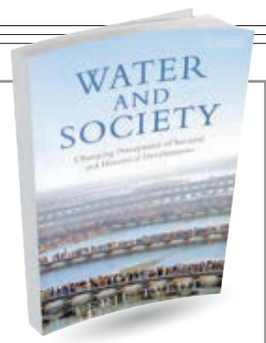

Water and Society
Changing Perceptions of Societal and Historical Development

آب و جامعه
تغییر برداشت‌ها از توسعه اجتماعی و تاریخی

- **نویسنده: Terje Tvedt ترجه تودت**
- **انتشارات: I.B. Tauris**
- **تعداد صفحات: ۳۰۶ صفحه**
- **قیمت: ۱۹.۲۰ دلار**